



غزالی و اندیشه اشعری در عصر سلاجقه: تأثیر فکر زیبایی‌شناسی غزالی بر مبانی هنر اسلامی

محمدعلی ساکی^۱، محبوبه شرفی^{۲*}، نیره دلیر^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، m.saki44@iausr.ac.ir

^{۲*} (نویسنده مسئول) دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، sharafi48@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات، تهران، ایران، dalirnh@yahoo.com

چکیده

نیمه سده پنجم تا اوایل سده ششم هجری، از جهت فراوانی علما و کثرت تألیفات و رشد و گسترش هنر اسلامی عصری ممتاز است. با افول حکومت آل بویه و روی کار آمدن سلجوقیان، مکتب معتزله تضعیف و اندیشه اشعری گسترش یافت. اما با وزارت نظام‌الملک و ایجاد مدارس نظامیه، اندیشه اشعری تحول یافت. تفکرات غزالی و نظام‌الملک در این دوره تغییراتی در مبانی اندیشه‌ای و همچنین مبانی زیبایی‌شناسی هنر را پدید آورد. تجلی این تغییر در ساخت مدارس، کاروان‌سراها و رباط‌ها هویدا شد. بستر و زمینه مبانی نظری زیبایی‌شناسی غزالی در تألیف آثار و بیان مباحث زیبایی‌شناسی به فراخور بحث در تأملات کلامی، اداری و اجتماعی او قابل پیگیری است. کتاب‌های احیا علوم‌الدین، کیمیای سعادت و نصیحة الملوک از مصادیق خلاقیت و تفکر او در توجه به مفاهیم زیبایی‌شناسی و هنر است. در این آثار، غزالی به‌عنوان یک مجدد دینی، به دنبال احیای علم دین، سعادت بشری و توجه به زیبایی‌شناسی پدیده‌ها و نشان دادن وجوه هنری کنش‌های انسانی و نظام اجتماعی است. این توجهات و تأملات غزالی می‌تواند تأثیر خود را بر هنر اسلامی از طریق گسترش جریان اشعری‌گری در جامعه نشان دهد. از این‌رو، مسأله این تحقیق، شناخت و تحلیل تأثیر تفکر زیبایی‌شناسی غزالی بر مبانی هنر اسلامی است که با استفاده از شیوه تبیین تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، با مراجعه به آثار غزالی بررسی می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش غزالی در گسترش و دگرگونی جریان اشعری در دوره سلجوقی.

۲. بررسی دیدگاه غزالی درباره مبانی زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. غزالی در گسترش و دگرگونی جریان اشعری در دوره سلجوقی چه نقشی داشت؟

۲. غزالی چه دیدگاهی درخصوص مسئله زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۰

دوره ۲۰

صفحه ۳۱۰ الی ۳۲۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

سلجوقیان،

زیباشناسی،

هنر اسلامی،

غزالی.

ارجاع به این مقاله

ساکی، محمد علی، شرفی، محبوبه، دلیر، نیره. (۱۴۰۲). غزالی و اندیشه اشعری در عصر سلاجقه: تأثیر فکر زیبایی‌شناسی غزالی بر مبانی هنر اسلامی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۰)، ۳۱۰-۳۲۸.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.50.45



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.260191.1451

مقدمه

با تضعیف حکومت آل بویه در اوایل قرن پنجم، فرقه کلامی معتزله هم دچار تغییراتی شد و زمینه تحول در مباحث هنری و معماری اسلامی پدید شد. این تحولات، باعث روی کار آمدن سلجوقیان شد و اندیشمندانی چون نظام‌الملک، امام محمد غزالی و... ظهور پیدا کردند و زمینه لازم برای گسترش مبانی زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی هم میسر گردید. اگرچه مکتب عقل‌گرای معتزله تضعیف و گرایش به نقل زیاد شد، اما نگرش سلجوقیان، نظام‌الملک و غزالی به نوع خاصی از معماری و ساخت مدارس و تأثیر فکر زیبایی‌شناسی بر مبانی هنر اسلامی پدیدار گشت. هنر آجرتراشی و تزئین بناها با آجرهای تراشیده شده از قرن پنجم هجری در ایران معمول و تا اواخر قرن ششم کامل گردید.

سلجوقیان در به‌کارگیری گنبد دو پوسته تلاش زیادی داشتند و نوع جدیدی از پایه را برای آن در نظر گرفتند. علت به وجود آمدن گنبد دو پوسته، فضای داخلی و قالب خارجی بود. نمونه چشمگیر در این مورد، گنبد مسجد جامع اصفهان است. بنای مدارس، مساجد و آرامگاه‌ها با معماری جدید در سرتاسر امپراتوری سلجوقی گسترش پیدا کردند و دارای ویژگی‌هایی بود که ریشه ایرانی داشت از جمله صحن چهار ایوانی. معروف‌ترین مدارس، مدرسه نظامیه بغداد است و نیز در اصفهان، نیشابور، بلخ، بصره و... از دیگر بناهای مذهبی بناهای آرامگاهی بودند که در این دوران ساخته شدند. معماری غیرمذهبی نیز هم‌گام معماری مذهبی بکار می‌رفت. معماری غیرمذهبی رایج در دوره سلجوقیان کاروانسرا است که دارای صحن بزرگ و چهار ایوان است. این دوره را دوره «توازن و تعادل» معماری ایرانی می‌نامند که از تجارب پیشین بهره می‌گرفت و الگوهای تازه‌ای برای آینده پدیدار نمود. در اواخر عهد سلجوقی تزئینات گچ‌بری و رنگ اهمیت زیادی یافت.

کاشی لعابدار فیروزه‌ای در تزئین معماری مساجد، مدارس، برج‌ها و مقبره‌ها به کار گرفته شد. از مساجد ایران در این دوره، می‌توان به مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان، مسجد جامع گلپایگان، مسجد جامع قزوین و از مدارس، مدرسه خارجرد را نام برد. از بناهای غیرمذهبی می‌توان رباط شرف، رباط انوشیروان، رباط ملک (سمرقند بخارا) و از برج‌ها و مقابر این دوره که به شکل تپه ساخته شده‌اند، و دو طبقه بوده‌اند، مقابر دایره شکل سه گنبد در ارومیه و برج مدور مراغه و از مقابر نقشه ترک‌دار، مقبره پیر، گنبد سرخ و گنبد علویان و از مقابر چند ضلعی، گنبد علی در ابرقو، گنبد کاست در مراغه و از برج‌ها، برج دماوند، برج غربی و شرقی خرقان و برج مهماندوست را می‌توان نام برد. انواع متنوعی از سفالینه‌ها، کمی پس از روی کار آمدن سلجوقیان در ایران ظاهر شد. مراکز عمده آن در ری و کاشان بود. در اواسط همان قرن، لعاب‌کاری رنگی به وجود آمد که معمولاً به‌رنگ فیروزه‌ای یا آبی تیره بود. سفالینه‌های زرین‌فام نیز در خلال قرن ششم به وجود آمدند.

تلاش این تحقیق، پرسش از نقش غزالی در تفکر زیبایی‌شناسی و مبانی هنر اسلامی است که مبتنی بر آثار غزالی این امر تبیین و بررسی می‌شود. غزالی یکی از اندیشمندان جهان اسلام است که به‌رغم شهرت به فلسفه‌ستیزی و تهافت‌فلسفه، در احیای اندیشه‌های اسلامی و نیز انس عقل و دل یا شریعت و تصوف نقشی بی‌بدیل دارد. تأمل بر افکار و

اندیشه‌های غزالی و نگارش او در احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، مشکاة الانوار، نصیحة الملوک و مقصدالاسنی فی شرح اسماء درباره هنر، زیبایی و خیال و ذوق است که این مباحث از اصول فلسفه هنر و زیباشناسی محسوب می‌شوند. تأثیر و نقش غزالی در اندیشه اسلامی از یک سو و در عین حال حملات سخت و تند علیه فلسفه ستیزی او که خوشایند عقل‌ستیزان بود، از سوی دیگر محصول دو نظر متفاوت به آثار و احوال وی می‌باشد.

برخی غزالی را از دریچه احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، نصیحة الملوک و اعترافات صادقانه در المنقذ من الضلال و دیگر آثارش نگریده‌اند که تأثیر برانگیز و در تاریخ اندیشه، نهضت‌آفرین بوده است. برخی رویکرد غزالی را که در تهافت الفلاسفه منعکس شده و در آن به نظریات ابن‌سینا، اخوان‌الصفا و فارابی حمله می‌کند را نمی‌پسندند و همچنین عملکرد او را در توجیه رفتارهای ناپسند حاکمان و سکوتش در حمله صلیبیان از سوی کسی که لقب امام و حجت‌الاسلام یافته را مردود می‌شمارند.

با تأمل بر آراء غزالی و تأثیرگذاری آن در تولید آثاری از وی همچون: احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، مشکوة الانوار و مقصدالاسنی فی شرح اسماءالحسنی درباره هنر (فن)، بازتاب زیبایی به ویژه ذوق وی است که همه از بنیادهای اصلی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند. بابتی مستقل و وسیع در باب موسیقی، هم در احیاء علوم‌الدین و هم در کیمیای سعادت، نگاشتن تأملات غنی درباره جمال و زیبایی در احیاء علوم‌الدین ارائه کرده است. غزالی لطایفی در کارکرد زیباشناسی هنر اسلامی و رویکرد نفیسی بر مصداق‌های هنری بیان داشته و مهم‌تر، استناد به مثال‌های هنری چون نقاشی چینیان و رومیان، از جمله مشخصات و نظرات غزالی و کارکردهای فلسفه هنری و زیباشناسی بر مبانی هنر اسلامی که در آثار او تبلور یافته است.

با توجه به اینکه هر تمدنی افزون بر عناصر فرهنگی و دستاوردهای معرفتی و علمی به روش‌های سیاسی، اداری و اقتصادی نیاز دارد تا به کمک آنها بتواند امنیت اجتماعی و اقتصادی و سعادت مادی و معنوی جامعه را تأمین نماید لذا خلق آثار و تفکر زیبایی‌شناسی و هنر یکی از مظاهر تمدن است که از اهمیت خاصی برخوردار است. درباره مفهوم هنر معانی زیادی وجود دارد. همه زیبایی‌های مصنوع بشر، از استعداد و نبوغی حکایت دارد که خاستگاه همه آنها ذات باری تعالی است. انس عاشقانه با نمادهای زیبای موجود در گیتی از این روست که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

در تعریف هنر باید گفت که عبارت است از خلق زیبایی قابل درک برای احساسات و تفکرات بشری. هنر فعالیتی است که زیبایی را نمودار می‌سازد، به بیان دیگر، هنر وسیله‌ای است برای انتقال احساسات بشری (رضایی منش، ۱۳۸۰: ۵) در تعریف مفهوم زیباشناسی باید گفت که زیبایی‌شناسی به‌عنوان نظریه تفکر در داورهای زیبایی‌شناختی و چیستی زیبایی و نسبت آن با درک آدمی تعریف می‌شود. زیبایی‌شناسی Aesthetics تأملی است انسانی بر چیستی زیبایی و نسبت آن با ادراک وی. زیبایی‌شناسی یک رویکرد ذاتی بشری است، و می‌تواند بر روح و اندیشه انسان اثر بگذارد. بنابر این، در این پژوهش به دنبال هنر و هنرمندی غزالی نیستیم، بلکه نقش آثار او در شناخت مفاهیم و

مباحث زیباشناسی و مسأله این تحقیق، شناخت و تحلیل تأثیر فکر زیباشناسی او بر مبانی هنر اسلامی است. این امر با بهره‌گیری از روش تاریخی مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

پیشینه تحقیق

آثاری که در مورد غزالی نوشته شده از دو منظر داخلی و خارجی قابل نقد است: بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۸)، در باب زیبایی شناسی در حکمت اسلامی و فلسفه غربی، به بیان مباحث زیباشناسی در اسلام و نقش علمای اسلامی در پویایی حکمت پرداخته است. بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۴)، نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، در این کتاب، توجه خاصی به نقش هنر و زیبایی در تمدن اسلامی دارد و به تأثیرگذاری اندیشمندان اسلامی در گسترش و توسعه آن می‌پردازد. از بلخاری اثر دیگری با نام حسن، خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی، به چاپ رسیده است. همچنین بلخاری در مقاله «قوه خیال و عالم مثال در آراء و اندیشه امام محمد غزالی تاملی در مبانی نظری هنر اسلامی» به مباحث اندیشه‌ای و قوه خیال از منظر غزالی و مبانی هنر اسلامی اشاره نموده است. اورمزی، اریک لین (۱۳۹۵)، غزالی احیاگر اسلام، به نقش غزالی در خلق احیاء علوم الدین و مباحث دینی اشاره دارد. زرین کوب (۱۳۹۳)، در کتاب فرار از مدرسه، به نقش او در گسترش جریان اشعری و مفاهیم دینی توجه دارد. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۰)، در کتاب منطق و معرفت در نظر غزالی به بررسی مفاهیم معرفتی و زیباشناختی و منطق از منظر غزالی پرداخته و تصویری روشن از غزالی را به تصویر کشیده است. اتینگهاوزن، ریچارد (۱۹۴۷م)، در مقاله «زیبایی در نظر غزالی»، به نقش مباحث و مبانی زیباشناسی از منظر غزالی اشاره کرده است.

ایروین، روبرت (۱۳۸۹)، در کتاب هنر اسلامی، به بررسی ادوار تاریخی و نقش هنر اسلامی و تحولات آن پرداخته است. پرایس، کریستین (۱۳۹۳)، در کتاب تاریخ هنر اسلامی، به مباحث هنر اسلامی و تحولات آن در ادوار تاریخی پرداخته است. تالبوت رایس، دیوید (۱۳۹۳)، در اثر خود به نام هنر اسلامی، به نقش آن در ایجاد بناهای تاریخی و معماری اشاره کرده است. کونل، ارنست (۱۳۸۷)، هم کتابی با همین عنوان هنر اسلامی، نگاشته که نویسنده به ابعاد و وضعیت هنر اسلامی در ادوار مختلف پرداخته و هاگه دورن، آنته (۱۳۹۴)، هم در کتاب هنر اسلامی خود به نقش آن در تمدن‌سازی و تمدنیابی اشاره کرده است.

حشمت الله ریاضی، (۱۳۹۳)، بر فراز عقل و عشق، مؤلف در این اثر مباحث عقل و عشق و مباحث زیباشناسی از منظر غزالی را مورد بررسی و نقد قرار داده و یوسف قرضاوی، (۱۳۸۸)، سیمای غزالی از منظر موافقان و مخالفان را نمایان ساخته است. کرمی، میثم (۱۳۹۳)، غزالی شناسی، تهران: حکمت. مؤلفان این مجموعه مقاله به روند زندگی علمی و فکری غزالی پرداخته و نقش آثار غزالی در اعتلای اجتماعی و هنری را مورد ارزیابی و نقد علمی قرار داده‌اند. هیلن براند، رابرت (۱۳۸۵)، هنر و معماری اسلامی، مؤلف در چند سطر به نقش مباحث غزالی در معماری قرن پنجم اشاره دارد. یثربی، سید یحیی (۱۳۸۶)، تحلیلی از خردورزی و دینداری امام محمد غزالی (نقد غزالی)، مؤلف در این کتاب به غزالی از بعد فلسفی و اندیشه‌ای تاخته، چرا که معتقد است غزالی علم و دانش بشری را دچار آشفتگی کرده است.

با توجه به تحقیقات یادشده، در این مقاله تلاش شده به نقش غزالی و همچنین اندیشه اشعری و تأثیر فکر زیباشناسی او بر مبانی هنر اسلامی پرداخته شود.

اوضاع اجتماعی و هنری عصر سلجوقی

عصر سلجوقی در مقوله هنرهای اسلامی از جمله سفالگری و فلزکاری نقطه عطف به حساب می‌آید. از معماری می‌توان به نقشه چهار ایوانی، گنبد خانه و برج و مقبره در مرو، نیشابور، اصفهان، ری و گرگان اشاره نمود. در خوش‌نویسی قرآن به حد اعلای آن رسیدند و در فلزکاری به شیوه ترصیع اقدامات زیادی انجام شد. در این دوره، سفال‌های زرین فام در کاشان و کرمان ساخته می‌شد (هیلن براند، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۸).

در این عصر، تالار مربع گنبددار (چهارطاقی)، مسجد بزرگ ایرانی به وجود آمد. به گونه‌ای که حیاط مرکزی و چهار ایوان اطراف آن اساس معماری مذهبی در ایران گردید. نامسازی دیوار بناها با آجر است و از امکانات هنری آن استفاده می‌شد و نقش‌های متنوعی از آجر به وجود آوردند. هنر آجر تراشی و تزئین بناها با آجرهای تراشیده شده از قرن پنجم هجری در ایران در عصر سلجوقی که تفکر و اندیشه اشعری در جامعه گسترش یافته بود، نوع هنر و معماری خاصی شروع به گسترش کرد و هنرمندان آثار گران‌بهایی را به وجود آوردند. در این عصر از تلفیق حیاط چهار ایوانی معمول و تا اواخر قرن ششم ادامه و تکمیل گردید. در اواخر عهد سلجوقی تزئینات گچ‌بری و رنگ اهمیت زیادی یافت. کاشی لعابدار فیروزه‌ای در تزئین معماری بکار گرفته شد. از مهم‌ترین مکاتب این دوره، می‌توان به مکتب خراسان و موصل اشاره کرد که جز مراکز مهم هنر و صنعت دوره سلجوقیان به ویژه فلزکاری هستند (پرایس، کریستین، ۱۳۴۸: ۶۳-۶۵).

هنر این دوره را می‌توان یکی از پر رونق‌ترین اعصار هنر ایران به حساب آورد. معماری مساجد، اغلب از شبستان، گنبدخانه و صحن چهار ایوانی تشکیل شده است که این ترکیب نیز از هنر معماری خراسان سرچشمه می‌گرفت و از معروف‌ترین بناهای این دوره می‌توان به مسجد جامع اصفهان، مناره جام و بقعه سنجر در مرو اشاره کرد. در زمینه سفال‌گری نیز موفقیت‌هایی پدید آمد که می‌توان به ساخت ظروف سفالی با نقاشی رولعابی، زیرلعابی و ظروف بدنه قرمز با روکش سفید اشاره نمود. در زمینه هنر فلزکاری، می‌توان از ساخت انواع کاسه‌ها، گلدان‌ها و جام‌های طلایی، نقره‌ای و برنزی نام برد. اگرچه پارچه‌های ابریشمی معروف به پارچه‌های اردکی نیز از نمونه‌های برتر نساجی در این دوره است که با خطوط کوفی آبی رنگ تزیین شده است. بنابراین، تحولات اندیشه‌ای در قرن پنجم باعث پدید آمدن عوامل و زمینه‌های هنری شد که در دوره‌های بعد گسترش یافت (پرایس، کریستین، ۱۳۴۸: ۲۰۲-۲۰۳).

در این دوره هنر جدیدی به وجود آمد، هنری که خود را در بناهای جدیدی به نام مدرسه و مسجد نشان می‌داد. بنای مدرسه از چهار تالار گنبددار که به صحن مرکزی راه دارند، تشکیل می‌شد. همین نقشه را در مساجد جدید شاهد هستیم (ژوزف بورلو، ۲۱۷: ۱۳۸۶-۲۱۸). هنر جدید در اصفهان و ری که مراکز سلجوقیان بود، شکوفا شد. اصفهان شهری که ملک‌شاه سلجوقی با مشاوره نظام‌الملک و غزالی در سال‌های ۴۸۱-۴۸۲ هجری، مسجد جامعی در

آن بنا کرد. در پشت ایوان مسجد، یک جفت مناره قرار داد که از یک ستون استوانه‌ای دارای ایوانی باز، تشکیل شده است. تزئینات مسجد عمدتاً شامل پوششی از سفال، آجرها و کاشی‌های لعابدار با طراحی گلهاست (همان جا).

به طور کلی اهمیت هنر سلجوقی در زمینه وسیع‌تر هنر اسلامی در آن است که موقعیت برتر ایران را تثبیت نماید، به گونه‌ای که می‌توان آن را با نقش ایتالیای قرون وسطی در هنر اروپا مقایسه کرد (رابرت هیلن براند، ۱۳۸۵: ۹۰). همچنین هنر سلجوقی روند تحول آتی هنر در جهان ایرانی را معین ساخت. به گونه‌ای که تأثیر این هنر از سوریه تا شمال هند احساس می‌شد. مقطع زمانی ۳۹۱ تا ۶۱۷ هجری در مقوله‌های مختلف، از سفالگری و فلزکاری تا هنرهای مربوط به کتاب آرایی و معماری، نقطه عطفی به حساب می‌آید. در این دوره، پیکرتراشی بر گچ، سفال و فلز اهمیت تازه‌ای می‌یابد. تنوع ذائقه‌های هنری در قرآن‌های پر تجمل و کاربردی، مسجدهای شاهانه، سفال زرین فام و مینایی، قلم‌زنی مرصع و قطعات ریخته‌گری در دوره سلجوقیان نمود زیادی دارد. از مهم‌ترین شهرهای هنری این دوره می‌توان به کاشان با شاخص کاشی زرین فام، سمرقند و نیشابور با ظروف کتیبه‌دار سامانی و در هرات کوزه و فلزکاری اشاره نمود (همان، ۹۱-۹۵).

از ویژگی‌های هنر سلجوقیان می‌توان به مناره‌های بلند و چند ضلعی که مزین به نوار کتیبه‌ها و طرح‌های هندسی با آجر مانند برج مقبره گنبد قابوس، سکنج‌ها و پیشطاق در آرامگاه‌ها اشاره نمود (رابرت هیلن براند، ۱۳۸۵: ۱۰۳). پیشرفت‌های فنی عمده هنر عصر سلجوقی را می‌توان به دوره متأخر منتسب ساخت. اگرچه در زمینه معماری و نُسَخ قرآنی از مدت‌ها قبل شاهکارهای تمام عیاری پدید آمده بود. با وجود این، مسیر تحول آشکار است. در این دوره پیکرتراشی بر گچ، سفال و فلز اهمیت تازه‌ای می‌یابد. هنرهای بصری در مقایسه با با دستاوردهای سده اولیه، نشان دهنده جهش عظیمی رو به جلو است. قرآن‌های پر تجمل و کاربردی، مساجد شاهانه بزرگ و کوچک، سفال زرین فام و مینایی گرانبها و ظرف لعابدار خشن که یادآور هنر عامیانه است و قلم‌زنی مرصع تمیز داد (رابرت هیلن براند، ۱۳۸۵: ۹۱-۹۵).

تحولات راهبردی در اندیشه ورزی اشعریان و غزالی

تحول فکری ابوالحسن اشعری و جدایی او از مکتب معتزله (ذهبی، تهذیب سیر اعلام النبلاء، ۲/ ۶۸)، باعث گشوده شدن قلمروهای جدیدی در علم کلام اسلامی شد، و تغییراتی را در حوزه‌های فکری، علمی و فقهی جهان اسلام به وجود آورد. اشعری با آراء و اندیشه‌های ابتکاری راهکارهای نوینی در حوزه کلام اسلامی ارائه کرد (صادقی، ۱۳۹۷: ۳۰۲). این تحول در عصر سلجوقی پیامدهای عملی و علمی ایجاد نمود و باعث معرفی عالمان و بزرگانی شد که منشأ تغییراتی در علم کلام شدند. عصر سلجوقی عامل مؤثری در پیروزی اندیشه‌های اشعری بوده است، زیرا عالمان و بزرگانی چون: امام الحرمین جوینی، خواجه نظام‌الملک و غزالی ظهور کردند و «انقلاب اشعریان» به وجود آمد. (دلیر، ۱۳۸۹: ۶۱).

در عصر سلجوقی با روی کار آمدن خواجه نظام‌الملک و محمد غزالی زمینه لازم برای تحول در مکتب اشعری پدید آمد (آریا، ۱۳۸۲: ۱۸۶). نظام‌الملک برای ترویج مکتب اشعری دستور داد که مدارس در شهرهای بزرگ تأسیس کنند و مقرر داشت که تعلیمات آن بر اساس مکتب اشعری و شافعی باشد. از آن تاریخ مکتب کلامی اشعری، مسلک اهل سنت و جماعت خصوصاً مسلک رسمی شافعیان شد (کسای، ۱۳۷۴: تلخیصی ۷۳). با تفکرات غزالی و بروز اندیشه‌ها و آثار او در قلمرو دانش و فرهنگ اسلامی، کلام اشعری گسترش وسیعی یافت. اندیشه و تفکرات غزالی نقطه محوری در بحث تحولات مکتب اشعری پس از اشعری است و نقش زیادی در بسط و گسترش این جریان داشته است (صادقی، ۱۳۹۷: ۳۰۲-۳۰۳). عصر سلجوقی، دوره شکوفایی مذهب اشعری است (کسای، ۱۳۷۴: ۱۸۶-۱۸۸). غزالی، نظام‌الملک و امام الحرمین جوینی مثلث تکمیلی مکتب اشعری در عصر سلجوقی هستند.

غزالی در فصل سوم مشکاه الانوار به مسأله صفات الهی به‌عنوان محور اندیشه خویش و کنار نهادن اقوال بسیاری از فرقه‌های اسلامی و اصحاب مذاهب دیگر غیر اسلامی که آنان را محبوبان می‌نامد، می‌پردازد. به باور وی آنان چنان در تشبیه پیش رفته‌اند که در تجسیم آشکار و صریح افتاده‌اند و عده‌ای نیز درگیر تنزیه مطلق بوده‌اند، چون معتزله و تعدادی از فلاسفه مسلمان مانند غزالی معتقد است که صفات خداوند نه همانند اوست و نه همانند غیر اوست. خداوند عالم به علم، قادر به قدرت و متکلم به کلام است ولی علم، قدرت و کلام او غیر ذات اوست و این صفات از ذات خداوند تماماً جدا نمی‌باشد بلکه به وجهی از وجوه متصل به ذات و جداناپذیر از آن است (غزالی، ترجمه مشکاه الانوار، ۲۲-۲۳).

غزالی در پی اثبات این نکته است که «واصلان» قادر به ادراک خداوند به غیر از ادراک محبوبان هستند، زیرا واصلان، خداوند را مقدس و منزّه از همه توصیفات محبوبان درک می‌کنند. هنگامی که حق تعالی با ذات خود برای آنان تجلی می‌کند، جلالت و عظمت خداوند، بینایی و بینش بینندگان را می‌سوزاند (همان، ۲۳). با تفکرات غزالی و بروز اندیشه‌ها و آثار او در قلمرو دانش و فرهنگ اسلامی، کلام اشعری گسترش وسیعی یافت. اندیشه و تفکرات غزالی نقطه محوری در بحث تحولات مکتب اشعری پس از اشعری است و نقش زیادی در بسط و گسترش این جریان داشته است (صادقی، ۱۳۹۷: ۳۰۲-۳۰۳). غزالی در قطب دوم مشکاه الانوار در بیان مراتب ارواح نورانی بشری که تمثیل قرآن شناخته می‌شود اشاره می‌کند که روح حساس است که آنچه را که حواس عرضه می‌کند، در می‌یابد. او در مورد روح خیالی می‌گوید که عبارت است از آنچه که حواس ادراک می‌کند، ثبت کرده و آن را نزد خود حفظ می‌کند تا بر روح عقلی که بالای آن قرار دارد، در هنگام نیاز عرضه کند (غزالی، مشکاه الانوار، قطب دوم، ۱۳۸۹، ص ۳۸).

او در بیان تمثیل آیه نور اعتقاد دارد: «بدان، سخن در موازنه ارواح پنجگانه با مشکاه، زجاجه، مصباح، شجره و زیت به درازا می‌کشد. ولی من درصدد آن هستم تا به صورت مختصر به آنها اشاره کنم. روح حساس هرگاه به خاصیت آن بنگری از روزنه‌هایی چون چشم‌ها، گوش‌ها، بینی و جزء آن انوار آن به بیرون می‌تابد» (همان، ۴۱). او در ادامه می‌افزاید در این تمثیل، دریای بی‌کران، همان دنیاست که در خود حاوی خطرات بسیاری چون مهلکه، سرگرمی‌های بی‌ارزش

و کدورت‌های نابینا کننده است (غزالی، ۱۳۸۹: ۴۴). غزالی در معرفی گروه‌های اجتماعی می‌نویسد: «همگی ادراکات بصری در پاره ای آنان ناست شده است. ولی جمال و قداست را لحاظ کرده و با دیدن جمال خداوند به آن حضرت الهی نائل شده‌اند. از این رو مبصرات را بدون مبصر، از دست داده‌اند. گروهی از اینان فراتر رفته و نام خاص الخاص نام گرفته‌اند. شکوه ذات الهی آثار شرک را از آنان دور ساخته و قدرت و جلال خداوند آنان را در برگرفته و ذاتیت را از آنان گرفته و ناراست کرده است. اینان جز ملاحظه نفس‌های فانی از خود تصویری ندارند و برای آنان جز واحد حقیقی باقی نمانده است» (غزالی، ۱۳۸۹: ۵۴). و مبدل به معنای گفته خداوند شده‌اند که گوید: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (سوره قصص، آیه ۸۸). او در ادامه اشاره کرده است: «شمار اینان به هفتاد هزار گروه نیز برسد، اما چون به جستجوی برخیزی، دسته‌ای را خارج از گروه‌بندی مورد اشاره ما نخواهی یافت. زیرا مردم یا به حجاب بشری گرفتارند و یا به حس و خیال و یا به خیالات عقلی و یا به نور محض که این رساله پاسخی است به این پرسش‌ها» (غزالی، مشکاة الانوار، ص ۵۵).

اندیشه غزالی در بیان خوبی، جمال و زیباشناسی

غزالی با تألیف ۱۳۷ اثر، یکی از بزرگ‌ترین عالمان اسلامی است که صاحب ایده‌ها و نظرات بسیاری در زمینه‌های گوناگون است. احیای علوم‌الدین، کیمیای سعادت و نصیحة الملوک غزالی از مصادیق خلاقیت‌های اوست. وی در کتاب احیای علوم‌الدین به دنبال احیای علوم دین است و به سبک اصحاب هرمنوتیک، یادآور معنای اولیه الفاظ مهم دینی می‌شود. در تاریخ تفکر اسلامی، عنوان این کتاب، مبدل به یک سرمشق و یک طرح دینی شده و اندیشمندان به این کتاب نظر داشته‌اند. با تفکرات غزالی و بروز اندیشه‌ها و آثار او در قلمرو دانش و فرهنگ اسلامی، مبانی اندیشه اشعری گسترش یافت. اندیشه و تفکرات غزالی نقطه محوری در بحث تحولات مکتب اشعری پس از اشعری است و نقش زیادی در بسط و گسترش این جریان داشته است (صادقی، ۱۳۹۸: ۳۰۲-۳۰۳).

به نظر می‌رسد که اندیشه سیاسی غزالی دو خاستگاه دارد: نخست اینکه او اندیشه خود را بر اساس دانش فقه و شریعت اسلامی طرح کرده است، دوم اینکه واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی در قلمرو خلافت عباسی و گستره فرمانروایی سلجوقیان در اندیشه او تأثیرگذار بوده است. اندیشه او بر این اصل استوار است که حیات آدمی مجموعه‌ای از دین و دنیا است و نظام دین جزء از طریق نظام دنیا سامان نمی‌یابد. تعارض میان دین و دنیا و کوشش در جهت حل آن، شالوده اصلی اندیشه غزالی و محور اصلی تأملات وی در زمینه سیاست است (همان جا). او باور دارد که آفرینش یک رونوشت الهی است و ما آدمیان آینه این رونوشت هستیم. عالم بدین معنا، تام و تمام است و انسان نمایش اوج این کمال است. عالم شبکه پیچیده‌ای از تناظرها را شکل می‌دهد که در آن تمام چیزها از دورترین ستاره‌ها تا خردترین حشره، در درون شبکه قرار می‌گیرند و تمامی این کلیت بر محور وجود انسان و زیباشناسی او تدوین می‌شود (اورمزی، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

غزالی آفرینش را یک کل به هم پیوسته و یکپارچه می‌داند که دارای آفریننده‌ای حکیم است که آفرینش خود را از روی لهو و لعب به انجام نرسانده، بلکه برای آن مقصودی متصور است. انسان به سبب اینکه جزئی از این مجموعه آفرینش به شمار می‌آید، به ناگزیر حکیمانه بودن آفرینش شامل حال وی نیز می‌شود و از آن رو که مخلوقی برگزیده است، رسالتی خاص دارد. غزالی ملهم از تعالیم اسلامی خود، میان دنیا و آخرت ارتباطی اصولی و تحولی منطقی می‌یابد. از این رو، به سیاست همچون اصلی می‌نگرد که به کار هدایت مردمان در سیری که از دنیا به آخرت دارند کار می‌آید. این هدایت نیز به وسیله شرع امکان‌پذیر است، لذا این سیاست تفاوتی بنیادین دارد با آنچه امروزه به‌عنوان علم سیاست (توزیع قدرت) مطرح است (صادقی، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

غزالی، ایراداتی بر عواملی چون تناسب، شکل و رنگ که از عوامل زیبایی مشخص هستند، دارد، اگرچه اصل زیبایی را در کیمیای سعادت «تناسب» می‌داند. از نگاه او آنان که در محدودیت خیالات و محسوسات محبوس هستند، چنین می‌پندارند که حُسن و زیبایی جز تناسب خلقت و شکل و رنگ نیست، زیرا حُسن قالب در خُلق انسان، حُسن بینایی است و بیشتر انسان‌ها نیز متوجه صورت اشخاص‌اند. لاجرم چنین افراد ظاهرپرستی می‌پندارند آنچه دیدنی و متخیل نباشد و دارای فرم و رنگ و تناسب نبُود، حس زیبایی را در انسان بر نمی‌انگیزد و به همین دلیل از آن لذتی حاصل نشده و لاجرم محبوب نیز نمی‌گردد. نظر غزالی در مورد زیبایی بسیار شبیه رأی فلوپین در تاسوعات و بلکه برگرفته از آن است. غزالی پس از نقد و نفی انحصار زیبایی در صورت و عواملی چون رنگ و فرم بوده (فلوپین، تاسوعات، ۱۹۹۷م: ۱ / ۱۱۳)، و بدون تردید می‌توان گفت غزالی وامدار این رأی است، و نظر خود را آشکارا چنین می‌گوید که: زیبایی و جمال هر چیزی در کمالی است که لایق آن است و اگر تمامی کمالات ممکن برای یک شیء (یا یک موجود) حاصل شود، زیبایی او در نهایت است و رنه حُسن و جمال آن به اندازه کمالاتی است که داراست (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۵۱۶/۴).

غزالی در بیان زیبایی ظاهر و جمال در سیرت می‌گوید: جمله فضائل و نیکویی‌هایی است که در اخلاق ظاهر می‌شود و زیبایی ظاهر همان عواملی است که حس ظاهر را برمی‌انگیزاند: «پس، اکنون جمال در سیرت‌ها موجود است، و اگر سیرتی خوب، بی علم و بصیرت صورت کرده شود، آن دوستی واجب نکند، پس محبوب مصدر سیرت خوب است و آن اخلاق ستوده است و فضائل شریفه است. و رجوع آن همه به کمال علم و قدرت است، و آن محبوب است به طبع، و به حس مدرک نیست. تا کودکی که او را به طبع او گذاشته باشند اگر خواهیم که غایبی یا حاضری یا مرده‌ای یا زنده‌ای را نزدیک او دوست گردانیم، نتوانیم مگر بدان که اطناپ نماییم در وصف او به شجاعت و کرم و علم و دیگر خصلت‌های ستوده، پس هر گاه که آن را اعتقاد کند، نتواند که او را دوست ندارد (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۴ / ۵۱۸).

غزالی در ادامه می‌گوید: دوستی صحابه (رضی الله عنهم) و دشمنیگی ابوجهل و ابلیس (لعنه الله) غالب نشده است مگر بدانچه اطناپ رفته است در صفت محاسن و مقابح که به حواس دریافته نشود، بلکه چون مردمان حاتم را به

سخاوت و خالد را به شجاعت صفت کردند دل‌ها ایشان را دوست گرفته، دوستی ضروری. و آن از دیدن صورت محسوس نیست، و از نصیبی که دوست‌دارنده را از ایشان رسد هم نیست، بلکه اگر حکایت کرده شود که یکی از پادشاهان در بعضی از اقطار زمین عدل و احسان می‌برزد و افاضت خیر می‌فرماید، دوستی او بر دل‌ها غالب گردد، با آنچه به سبب بعد مسافت نومید باشند از آنکه احسان او بدیشان رسد (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۴/۵۱۸).

پس اکنون دوستی آدمی مقصور نیست بر کسی که به جای او احسان کند، بلکه محسن در نفس خود محبوب است، اگرچه احسان او هرگز به محب نرسد، زیرا که هر جمال و کمال و حسن که هست، محبوب است. و صورت ظاهر است و باطن است، و حسن و جمال هر دو را شامل است. و صورت ظاهر به بصر ظاهر دریافته شود، و صورت باطن به بصیرت باطن. پس کسی که از بصیرت باطن محروم باشد، آن را ادراک نکند و بدان لذت نیابد، پس آن را دوست ندارد و بدان مایل نشود. و هر که بصیرت باطن بر او غالب‌تر از حواس ظاهر باشد، معانی باطن را بیش از آن دوست دارد که معانی ظاهر را. و کسی که نقشی را بر دیواری نگاشته باشد، برای جمال صورت ظاهر آن دوست دارد، به غایت دور باشد از کسی که پیغامبری را از پیغامبران برای جمال صورت باطن او دوست بدارد» (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۴/۵۱۸).

غزالی در ادامه کلام خویش با بیان این معنا که تنها مستحق دوستی، حق تعالی است و بس، آن پنج سبب مذکور را اینک در ساحت خدای متعال مورد توجه قرار می‌دهد (غزالی، احیاء علوم الدین، ربع منجیات، ۱۳۹۲: ۵۱۹)، و به‌ویژه در تبیین سبب چهارم، مجدد به زیبایی و حظی که از این زیبایی ایجاد می‌شود، برمی‌گردد. غزالی تکرار می‌کند که زیبایی بر دو قسم است: زیبایی صورت ظاهر که به چشم سر دریافت می‌شود و زیبایی صورت باطن که به چشم دل و نور بصیرت دریافته آید (غزالی، احیاء علوم الدین، ربع منجیات، ۱۳۹۲: ۴/۵۲۴).

زیبایی ظاهر را کودکان و ستوران دریابند، اما ادراک زیبایی باطن خاص ارباب دل است. همچون دوستی پیامبران، علما و ارباب مکارم و اخلاق. این‌که غزالی در ادامه کلام خویش و پس از تأکید بر حسن و زیبایی ذاتی افعال و سیرت بزرگان و پیامبران، به سراغ نقاشی و معماری می‌رود نشان می‌دهد در روزگار او همچون امروز زیبایی صرفاً در ساحت معقول مورد توجه نبوده، بلکه شامل مصنوعات زیبا نیز می‌شده است. غزالی معتقد است زیبایی افعال بزرگان دلیلی است بر زیبایی مصادر این افعال؛ زیرا این افعال، خود آثاری هستند که از منشأیی صادر شده‌اند. این تمثیل در مورد شاعران، نقاشان و معماران نیز صدق می‌کند: «چه، هر که خوبی تصنیف مصنف و خوبی شعر شاعر، بلکه خوبی نقاش و نقاش و بنای بناکننده ببیند، صفات خوب باطن ایشان که حاصل آن در بحث به علم و قدرت بازمی‌گردد (غزالی، احیاء علوم الدین: ۱۳۹۲: ۴/۵۲۴-۵۲۵). از این فعل‌ها وی را ظاهر شود. پس هر گاه که [معلوم] اشرف و تمام حال‌تر باشد و جمال آن تمام‌تر و عظمت آن کامل‌تر باشد، دانستن آن شریف‌تر و بزرگ‌تر باشد. و همچنین مقدور، هر گاه که مرتبه آن عظیم‌تر و منزلت آن عالی‌تر، مرتبه قدرت بر آن بزرگ‌تر و قدر آن شریف‌تر. و بزرگ‌تر معلومات حق تعالی است، پس لاجرم خوب‌تر و شریف‌تر علم‌ها، معرفت اوست. و همچنین چیزی که نزدیک آن باشد و بدو محیط بود، شرف آن

بر اندازه تعلق آن باشد بدو. پس اکنون جمال صفت‌های صدیقان که دل‌ها ایشان را به طبع دوست دارد، رجوع آن به سه کار است (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۴/۵۲۵).

غزالی این سه کار را بدین ترتیب برمی‌شمارد: «یکی علم ایشان به خدای و فریشتگان و کتاب‌ها و پیغامبران او و شریعت‌های پیغامبران. دوم، قدرت ایشان بر اصلاح نفس‌های خود و اصلاح بندگان خدای به راه نمودن و سیاست. سوم، پاکی ایشان از رذایل و خبائث و شهوت‌های غالب که از سنن خیر بگرداند و بر راه شر برود. و به مثل این، انبیا و خلفا و علما و پادشاهان عادل و کریم را دوست دارند. پس آن، صفت‌ها را به صفت‌های خدای نسبت کن (غزالی، ۱۳۹۲: ۴/۵۲۵). نوع رویکرد غزالی نشان می‌دهد که نظر غالب در اندیشه او رویکردی کاملاً کلامی است، کما اینکه در ادامه بحث فوق، صفاتی چون علم: «و اگر جمال علم و شرف آن کاری محبوب است و او در نفس خود آرایش و کمال است کسی را که بدان موصوف است، پس نباید که بدین سبب کسی را دوست دارد، مگر خدای تعالی را چه علم‌های عالمان به اضافه علم او جهل است، بلکه کسی عالم‌تر و جاهل‌تر اهل عصر خود را بشناس، مستحیل باشد که سبب علم، جاهل‌تر را دوست دارد و عالم‌تر را بگذارد، اگرچه جاهل از نوع علمی به تفصیل معیشت خود خالی نباشد» (غزالی، احیاء علوم الدین، ربع منجیات، ۱۳۹۲: ۴/۵۲۵).

غزالی در مبحث قدرت، اینگونه وصف می‌نماید: «آن نیز کمال است و عجز نقص است، پس هر کمال و بها و عظمت و مجد و استیلا که هست محبوب است و دریافت آن لذیذ است» (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۵۲۶) و تنزه، یعنی پاک بودن از رذیلت‌ها «و آن یکی از موجبات دوستی و مقتضیات خوبی و جمال است در صورت باطن» را مهم‌ترین اسباب کمال می‌داند و کمال را سبب زیبایی و جمال. تا آنجا که زیبایی خالص و لذت کامل جز از معرفت به کمال مطلق هستی یعنی حضرت حق تعالی حاصل نمی‌گردد (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۵۲۷). انتخاب چنین عنوانی در اواسط ربع منجیات و پس از مباحث فوق، غایت علم الجمال یا زیبایی‌شناسی محمد غزالی را باز می‌نمایاند: «بیان آنکه بزرگ‌تر و عالی‌تر لذت‌ها معرفت حق تعالی است و دیدن وجه کریم او و صورت نبندد که لذتی دیگر بر آن برگزیند مگر کسی که از این لذت محروم باشد (غزالی، احیاء علوم الدین، ۱۳۹۲: ۴/۵۳۱).

بنابراین، مشهورترین فلسفه‌ستیز جهان اسلام در عین بهره‌مندی از رویکرد حکماً و فلاسفه به زیبایی (همچون نوافلاطونیان و فارابی) رویکردی کلامی را در شرح زیبایی برگزید. این روایت مشهور او هم در کیمیای سعادت در باب زیبایی است: بدان که ایزد تعالی را سرّی است در دل آدمی که آن در وی همچنان پوشیده است که آتش در آهن. و چنان که به زخم سنگ بر آهن آن سرّ آتش آشکار گردد و به صحرا افتد، همچنین سماع آواز خوش و موزون آن گوهر آدمی را بجنباند و در وی چیزی پدید آرد بی آنکه آدمی را در آن اختیاری باشد و سبب آن مناسبتی است که گوهر دل آدمی را با عالم علوی که عالم ارواح گویند، هست. و عالم علوی عالم حُسن و جمال است و اصل حُسن و جمال، تناسب است و هرچه متناسب است، نمودگاری است از جمال آن عالم، چه، هر چه جمال و حُسن و تناسب که در این

عالم محسوس است، همه ثمره حُسن و جمال و تناسب آن عالم است (غزالی، کیمیای سعادت، رکن دوم، معاملات، ۱۳۹۵: ۴۰۰).

غزالی آواز خوش و موزون را از عجایب عالم می‌داند: «پس آواز خوش موزون متناسب هم شبهتی دارد از عجایب آن عالم، بدان سبب آگاهی در دل پیدا آید و حرکت شوقی پدید آید که باشد که آدمی خود نداند که آن چیست (همان جا). و ما پیش از این آوردیم، خود گرچه تأکید بر تناسب دارد اما هر شیئی متناسب، تناسب و در اصل زیبایی خود را از عالم علوی اخذ می‌کند. غزالی در رکن سوم، مهلکات کیمیای سعادت ضمن تأکید بر دوگانه کمال و جمال می‌نویسد: بدان که اگرچه اعمال به جوارح است، مقصود از آن گردش دل است که دل بدان سفر خواهد کرد. و همی باید که با کمال و جمال است تا حضرت الهیت بشاید و چون آینه روشن و بی زنگار است تا صورت ملکوت اندر وی بنماید تا جمالی بیند که آن بهشت که صفت وی شنیده است حقیر گردد (غزالی، کیمیای سعادت، رکن سوم، مهلکات، ۱۳۹۵: ۴۶۷).

زیباشناسی هنری در نصیحه الملوک

اثر مشهور دیگر غزالی نصیحه الملوک است. این کتاب هرچند از آثار اندرنامه‌های و خطاب به سلاطین برای بهبود اوضاع مملکت و حکومت‌داری نوشته شده است اما جنبه‌های زیبایی‌شناسی در آن مشهود است. از جمله اهمیت به قلم، «و دانایان گفته‌اند که هیچ چیز بزرگوارتر از قلم نیست، که همه کارهای گذشته را بدو باز توان آوردن و از بزرگواری قلم یکی آن است که ایزد تعالی بدو سوگند یاد کرد و گفت: که نخست چیزی که خدای آفرید قلم آفرید، و برآند به هرچه خواست بودن تا قیامت الحدیث» (غزالی، نصیحه الملوک، ۱۳۸۹: ۱۶۹). همچنین در اینجا با اشاره به شمشیر و قلم که تداعی گر نزاع میان ترکان و ایرانیان است، تلاش می‌کند نقطه تلاقی آن دو را به کانون تعامل تبدیل سازد: «و عبدالله ابن عباس گوید: در تفسیر این آیت، و یوسف گفت: مرا بر گنج‌های زمین گمار که من دبیر و شمار گیرم. و گویند که قلم زرگر سخن است. و هنر و مایه آموزندگان قلم است؛ و رأی هرکسی از دور و نزدیک بدو توان دانستن. و هرچند مرد را آزمون روزگار باشد تا کتاب‌ها نخواند خردمند نگردد، زیرا که پیداست که از این اندکی عمر تجربه چند توان کردن. و نیز پدید است که چند یاد توان گرفتن. و شمشیر و قلم هر دو حاکم اندر همه چیزها که اگر شمشیر و قلم نیستی این جهان برپای نیستی» (همان، ۱۷۰). بنیاد برپایی جهان را بر شمشیر و قلم استوار می‌داند.

خط و دانستن رموز آن را از لوازم دبیری دانسته و به دقائق و ظرائف آن اشاره می‌کند: «و دبیران را به جز نبشتن بسیار چیزی دیگر نباید دانستند تا خدمت بزرگان را بشایند. و حکیمان و ملوک پیشین گفته‌اند که دبیران را ده چیز نباید دانستن: اول نزدیکی و دوری آب در زیر زمین و بیرون آوردن کاریزها و دانستن افزودن و کاستن روز و شب به تابستان و زمستان، و رفتار آفتاب و ماه و ستارگان و اجتماع و استقبال، و دانستن شمار انگشت، و شمار هندسه، و معرفت تقویم و اختیارات دانستن روزها، و آنچه نباید کشاورزان را و دانستن پزشکی و داروها، و معرفت باد جنوبی و شمالی، و دانستن شعر و قوافی؛ و با این همه سبک روح و خوش دیدار باید. و دانا باید به تراشیدن قلم و ساختن و

برگرفتن و نهادن و هرچه اندر دل است به نوک قلم پیدا کند و از طغیان قلم خویشتن نگاه دارد و دبیر باید که بدانند که کدام حرف کشیده باید نوشتن و کدام گرد و پیوسته باید؛ اما خط مبین باید نوشتن، و چنان باید که حق هر حرفی بگذارد: (همان، ۱۷۱). از نظر غزالی دبیران به جز آگاهی بر استلزامات کار خود نیاز است بر سایر علوم و هنر نیز آگاه و واقف باشند که در ده مورد اشاره کرده است.

زیبایی‌شناسی در احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت از منظر اندیشمندان

احیاء علوم الدین غزالی تنها کتابی است که تقریباً همه علوم مسلمانان را به صورت متداخل، نه به صورت مجزا و منفصل در بر دارد و یک اسلام تام الاصول غیر ناقص را به تصویر می‌کشد و به هیچ گروه یا فرقه‌ای گرایش ندارد و در هیچ یک از حوزه‌های علوم اسلامی نیز اسیر و محبوس نیست؛ با آنکه غزالی در عقاید، اشعری و در فروع، شافعی و در بینش، صوفی بود. ربع عبادات، درباره آداب و دقائق سنن و اسرار معانی عبادات است که عالم عامل را از دانستن آن گریزی نیست (غزالی، احیاء علوم الدین، ربع یکم، ۱۳۹۲: ۱۷-۲۰). نگارش کتاب احیاء علوم الدین و توجه به مباحث دینی در اشکال و مفاهیم زیباشناسی از منظر علما و اندیشمندان مورد تصدیق و تبیین قرار گرفته است. غزالی در کتاب احیاء علوم الدین اشاره می‌کند: تمام چهار ربع آن منحصراً با احوال (اعمال) قلب سروکار دارند یعنی معاملات در برابر مکاشفات. اگرچه عده‌ای از علمای اسلامی معتقدند این کتاب مفهومی نمایشی دارد، به اینگونه که معنای متن نمایشی، متنی است که فهمیده نمی‌شود، مگر آنکه به عمل و اجرا درآید (اورمزی، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۷۰).

این ربع، خود از ده کتاب تشکیل شده است که نخستین آنها، کتاب العلم است. به قول مؤلف، سبب آغاز کردن کتاب با این مبحث، آن است که علم، مهم‌ترین هدف برای امور کشفی است که با آموختن آن بنا به فرموده رسول اکرم (ص)، خداوند متعال بندگی (عبادت) می‌شود. دیگر کتاب‌های ربع نخست به این شرحند: قواعد العقاید، اسرار طهارت، اسرار نماز، اسرار زکات، اسرار روزه، اسرار حج، آداب تلاوت قرآن، اذکار و دعاها، ترتیب اوراد در اوقات. ربع عادات، شامل ده کتاب به شرح زیر است: آداب خوردن، آداب ازدواج، احکام کسب، حلال و حرام، آداب صحبت و معاشرت با اصناف خلق، گوشه‌گیری، آداب سفر، سماع و وجد، امر به معروف و نهی از منکر، آداب معیشت و اخلاق نبوت (همان جا).

استنتاج غزالی از این معنا در ادراک زیبایی‌شناسی او مؤثر است: سبب‌هایی بیرونی عامل لذت‌اند و هر لذت، سبب محبوبی است. پس هر خوبی و جمال، ادراکی از لذت را در انسان برمی‌انگیزد؛ زیرا هیچ کس را نمی‌توان یافت که منکر نسبت میان لذت و جمال نیکو باشد... پس اگر ثابت شود که خدای عزوجل جمیل است، لامحاله محبوب باشد نزدیک کسی که جمال و جلال او وی را منکشف شود، چنان که پیغامبر (ع) گفت: ان الله تعالی جمیل و یحب الجمال» (غزالی، احیاء علوم الدین، ۴/ ۵۱۶). از دیدگاه غزالی سبزه و آب روان فی‌نفسه زیبایند و محبوب، نه برای آنکه حس از خوردن آنها لذتی ببرد، بلکه نفس سبزه و آب روان، برانگیزاننده حس زیبایی، لذت و دوستی در نفس انسان هستند. پیامبر اکرم (ص) به همین دلیل سبزه و آب روان را دوست داشت، همچنان که طبع‌های سلیم از دیدن شکوفه‌ها و مرغان

خوش‌رنگ و متناسب لذت می‌برند. آن‌چنان که غمشان زائل می‌شود. در اینجا غزالی به حقیقتی اشاره دارد که چند قرن بعد کانت تحت عنوان «بی‌غرضی» از آن سخن گفت.

کتاب کیمیای سعادت از آثار دوره پختگی غزالی و پس از سیر و سلوک روحانی اوست، یعنی چهل و پنجمین کتابی است که در آخرین سال‌های قرن پنجم هجری نوشته و چون خود وی آن را به فارسی نگاشته عصاره کتاب احیاء علوم الدین است، لذا مطالعه این کتاب بسیار شایان اهمیت است. کتاب در چهار عنوان شناختی بیان شده است: ۱. شناخت خود، ۲. شناخت خدا، ۳. شناخت دنیا، ۴. شناخت آخرت است. او در این مباحث نه تنها به معارف اسلامی پرداخته است، بلکه در فلسفه و عرفان و دانش‌های زمان غور و مطالعه کرده و در سیر و سلوک و تربیت نفس تجربه‌های زیادی را ارائه کرده است. او پس از سیر این چهار آفاق، به تناسب مباحث اسلامی و نیاز جامعه، مخاطبان خود را به سعادت و رستگاری رهنمون می‌نماید (کرمی، ۱۳۹۳: ۴۰۶-۴۰۸). او فقط متوجه رستگاری و نجات فرد نیست، بلکه با تذکر آثار مترتب بر هر موضوع در زندگی اجتماعی به سعادت عمومی نیز می‌اندیشد. لذا اخلاق و تربیت اسلامی و عرفانی که در آن کتاب مطرح شده است به نفع فرد و جامعه است. اما چون «مقصود از کیمیا آن است که از هر چه می‌نباید، و آن صفات نقص است، پاک و برهنه شود و به هر چه می‌باید، و آن صفات کمال است، آراسته شود». از عبادات، معاملات، مهملکات و منجیات سخن می‌رود (همان، ۴۰۷).

غزالی در کتاب کیمیای سعادت با اینکه می‌خواهد در درون آدمی شوری پدید آورد و او را دگرگون کند، بر سر آن است که این شور و حالت منبعث از معرفت و آگاهی باشد. از این رو روشنگری او در هر مورد چنان نکته آموز و دلنشین است که از قوت استدلال نافذتر می‌نماید، نظیر آنکه سعادت آدمی در معرفت خدای تعالی است. و معرفت خدای تعالی، وی را به معرفت صنع خدای تعالی حاصل آید و این جمله عالم است و معرفت عجایب عالم، وی را از راه حواس حاصل آید و این حواس را قوام به کالبد است، پس معرفت صید وی است و حواس، دام وی است و کالبد مرکب وی است و حمال و دام وی است (غزالی، کیمیای سعادت، ۱۳۹۵: ۲۱).

کیمیای سعادت، عالم تمثیل‌ها و تشبیهات است به حدی که نثر غزالی گاه حالتی شعرگونه یافته و گویی شاعری است که قلم برگرفته دریافت‌های خود را بیان می‌کند. به مدد این تمثیل‌ها است که غزالی حرف خود را در قالب مفاهیم زیباشناسی به کرسی می‌نشاند. نخستین سطر کتاب با تعبیراتی از این دست آغاز می‌شود: «شکر و سپاس فراوان به عدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ درختان... مر آن خدای را که یگانگی صفت اوست. و جلال و کبریا و عظمت و علا و مجد و بها خاصیت اوست. و از کمال جلال وی هیچ آفریدگار آگاه نیست و هیچ کس را به حقیقت معرفت وی راه نیست، بلکه اقرار دادن به عجز از حقیقت معرفت وی، منتهای معرفت صدیقان است و اعتراف آوردن به تقصیر در حمد و ثنای وی نهایت ثنای فرشتگان و پیغمبران است و غایت عقل عقلاً در مبادی اشراق جلال وی حیرت است و منتهای سیر سالکان و مریدان در طلب قرب به حضرت جمال وی دهشت است (غزالی، کیمیای سعادت،

۱۳۹۵: ۷). کیمیای سعادت سرشار از لغات و ترکیبات فصیح و بلیغی است که به نثر غزالی توانایی خاصی بخشیده و تفکر زیباشناسی آن تأثیر مهمی بر مبانی نظری هنر اسلامی برجای گذاشته است.

نتیجه‌گیری

غزالی لطایفی در کارکرد زیباشناسی هنر اسلامی و رویکرد نفیسی بر مصداق‌های هنری بیان داشته و مهم‌تر، استناد به مثال‌های هنری چون نقاشی چینیان و رومیان، از جمله مشخصات و نظرات غزالی و کارکردهای فلسفه هنری و زیباشناسی بر مبانی هنر اسلامی که در آثار او تبلور یافته است. با تأمل بر آراء غزالی و تأثیرگذاری آن در تولید آثاری از وی همچون: احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، مشکوٰۃ‌الانوار و مقصد الاسنی فی شرح‌اسماء‌الحسنی درباره هنر (فن)، بازتاب زیبایی به ویژه ذوق وی است که همه از بنیادهای اصلی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند. او بابتی مستقل و وسیع در باب موسیقی و نگاشتن تأملات غنی درباره جمال و زیبایی در احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت ارائه کرده است. غزالی مفهوم ذوق و خیال زیباشناسی را از زبان عوام گرفته و در راستای مقصود خود به کار برده است.

او ذوق را محل تلاقی فهم و عمل می‌داند. حقایق زیباشناسی که غزالی در کتاب احیاء علوم الدین بیان می‌کند ارتباطی با گفتن و استدلال کردن ندارد، چرا که او استاد است و توجهات او مربوط به عمل است و در قالب کلام و واژه نمی‌گنجد. بنابر این، تفکرات او نقطه محوری در بحث تحولات است. غزالی با مطالعه علمی پیشینیان و با درک تحولات زمانه، اقدام به تعیین چهارچوبی کرد که در آن اولویت بندی نیازهای اجتماعی، دینی و مفاهیم زیباشناسی در تألیف برآورده شد.

با توجه مباحث بیان شده، هر تمدنی افزون بر عناصر فرهنگی و دستاوردهای معرفتی و علمی به روش‌های سیاسی، اداری و اقتصادی نیاز دارد تا به مدد آنها بتواند امنیت اجتماعی و اقتصادی و سعادت مادی و معنوی جامعه را تأمین نماید، لذا نگرش زیباشناسی در ساخت بناها و معماری یکی از مظاهر تمدن است که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. غزالی با رهنمودها، خلق آثار و بیان مباحث و مبانی زیباشناسی در آثار خود، این تفکر را به هنرمندان و معماران جامعه القاء کرد و با مشاوره و مکاتبه با سلاطین سلجوقی و خلفای عباسی این ایده را پدید آورد تا در شکل‌دهی و ایجاد بناها، مدارس نظامیه، مساجد و کاروان‌سراها نقش زیادی ایفا نمایند. از مهم‌ترین مکاتب این دوره، می‌توان به مکتب خراسان و موصل اشاره کرد که جز مراکز مهم هنر و صنعت دوره سلجوقیان به ویژه فلزکاری هستند.

در عصر سلجوقی بر مبنای تفکر اشعریان و مشاوره غزالی و خواجه نظام‌الملک، هنر جدیدی پدید آمد، هنری که خود را در بناهای جدید به نام مدرسه نشان می‌دهد. بنای مدرسه از چهار تالار گنبددار که به صحنی مرکزی راه دارند، تشکیل می‌شود به گونه‌ای که همین نقشه را در مساجد جدید شاهد هستیم. نمود این هنر جدید در اصفهان یکی از پایتخت‌های مورد علاقه سلجوقیان، شکوفا شد، شهری که ملکشاه در سال ۴۸۱ هجری، مسجدی در آن بنا کرد. تزئینات مسجد شامل پوششی از سفال، آجرها و کاشی‌های لعابدار با طرحی از گل‌هاست.

در نهایت باید نتیجه گرفت که با تدابیر و تلاش غزالی، محدوده جغرافیایی اندیشه اشعری بر مبنای زیبا شناسی هنر اسلامی از خراسان و ماوراء النهر، از غرب تا مغرب، تونس و اندلس، از جنوب تا دریای سرخ توسعه یافت. با تبلور آثار غزالی در تدریس و تربیت شاگردان، توانسته نقش اساسی در جامعه اسلامی ایفا نماید. کتب احیا علوم الدین، کیمیای سعادت و نصیحة الملوک غزالی از مصادیق او در تغییر نگرش در مبنای زیباشناسی در هنر اسلامی است. او در کتاب احیاء علوم الدین به عنوان یک مجدد دینی، به دنبال احیای علم دین است. در تاریخ تفکر اسلامی، عنوان این کتاب، مبدل به یک سرمشق و یک طرح دینی شده و هر بار که متفکران بزرگ اسلامی به دنبال احیای علوم دین برآمده اند، به این کتاب نظر داشته اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ:

منابع فارسی

ابن اثیر، عز الدین علی، الكامل فی التاریخ، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

_____، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

خواجه نظام‌الملک، سیرالملوک (سیاستنامه) به کوشش جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.

غزالی، ابوحامد، نصیحة الملوک، به کوشش قوام الدین طه، تهران: جامی، ۱۳۸۹.

_____، تهافت الفلاسفه، تهران: زوار، ۱۳۶۳.

_____، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.

_____، کیمیای سعادت، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

_____، کیمیای سعادت، به اهتمام پروین قائمی، تهران: پیمان، ۱۳۹۵.

منابع عربی

اشعری، امام ابوالحسن، الابانه فی اصول الدیانه، الطبعة الاولى، دارالقادری، بیروت، لبنان، ۱۹۹۱م.

_____، اللمع فی الرد علی اهل الزیغ و البدع، به کوشش ریچارد جوزف مکاریتی، بیروت: دارالکتب، ۱۹۵۳م.

_____، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق محیی الدین عبدالحمید، ج ۱، قاهره مکتبه النهضه المصریه، ۱۳۶۹ق.

ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ط الثانية، ۱۹۹۳/۱۴۱۳.

فلوطین، تاسوعات افلوپین، ترجمه فرید جبر، بیروت: مکتب لبنان ناشرون، ۱۹۹۷م.

سیوطی، جلال الدین، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره: [ابی نا]، ۱۹۵۲م.

مقریزی، تقی الدین احمد بن علی مقریزی، خطط المقریزیه، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.

مآخذ و پژوهش‌ها

- آریا، غلامعلی، تاریخ فرق اسلامی و مذاهب کلامی، تهران: پایا، ۱۳۸۲.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، منطق و معرفت در نظر غزالی، تهران: ایر کبیر، ۱۳۷۰.
- اتینگهاوزن، ریچارد، زیبایی در نظر غزالی، ترجمه سعید حنایی کاشانی، ۱۹۴۷م، هنر و معماری، ۲۷، زمستان ۱۳۷۳: ۲۷-۳۴.
- آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- اورمزی، اریک لین، غزالی احیاگر اسلام، ترجمه محمد رضا مرادی طادی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۵.
- ایروین، روبرت، هنر اسلامی، ترجمه رؤیا آزاد فر، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۹.
- بلخاری قهی، حسن، خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۹.
- _____، قوه خیال و عالم مثال در راه اندیشه امام محمد غزالی، ۱۳۸۵، نشریه هنرهای زیبا، ۴-۱۲، و ۲۶.
- _____، نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴.
- پرایس، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۳.
- تالبوت رایس، دیوید، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
- دلیر، نیره، (۱۳۸۹)، طرح عدالت در سیرالملوک و مقایسه‌ی آن با مبانی کلام ابوالحسن اشعری، مجله علمی پژوهشی مطالعات تاریخ اسلام، پژوهشکده تاریخ اسلام، شماره ۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- _____، فرار از مدرسه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.
- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه، ۱۳۷۸.
- رضایی منش، مرتضی، درباره هنر، تهران: مهر، ۱۳۸۰.
- ریاضی، حشمت الله، برفراز عقل و عشق، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
- فخوری، حنا و خلیل الجبر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- قرضاوی، یوسف، سیمای غزالی از منظر موافقان و مخالفان، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: احسان، ۱۳۸۸.

- کرمی، میثم، غزالی شناسی، تهران: حکمت، ۱۳۹۳.
- کسایی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: سپهر، ۱۳۷۴.
- کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ ظاهری، تهران: توس، ۱۳۸۷.
- محمدی، کاظم، غزالی در جستجوی حقیقت، کرج: نجم کبری، ۱۳۹۲.
- هاگه دورن، آنته، هنر اسلامی، ترجمه عطیه عصار پور و مسیح آذرخش، تهران: یساولی، ۱۳۹۴.
- همایی، جلال‌الدین، غزالی نامه، تهران: هما، ۱۳۸۷.
- هیلم براند، رابرت، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: روزنه، ۱۳۸۵.
- یثربی، سید یحیی، تحلیلی از خردورزی و دینداری امام محمد غزالی (نقد غزالی)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی